

## باسمه تعالی

### موثرترین فیلسوفان مکتب مشاء

#### \*\*\* فارابی (موسس فلسفه ی اسلامی)

حکیم ابونصر محمد فارابی، از چهره های ماندگار ایران است که موسس و بنیانگذار فلسفه ی اسلامی بوده و در تاریخ فلسفه ی اسلامی به دلیل برخورداری از جایگاه والای علمی و فلسفی ناشی از مطالعات گسترده، هضم و جذب میراث فلسفی یونان از یک طرف و داشتن درک عمیق نسبت به معارف اسلامی و بهره مندی از احساس های معنوی متعالی از سوی دیگر، اصول و مبادی جدیدی را در فلسفه بنا نهاد و بر اساس نظام فلسفی خویش در علم کلام، اخلاق، سیاست، فقه و غیره چنان عمل نمود که این علوم در عین موافقت با دین از یک وحدت سازمانی برخوردار گشت. در نتیجه، اعطای لقب "معلم ثانی" به وی از آن جهت می باشد که او "موسس فلسفه ی اسلامی" است.

## \*\*\*دیدگاه فارابی در خصوص عرصه های زندگی جمعی (مدینه فاضله)

### ۱. در زمینه ی ضرورت تشکیل زندگی مدنی؛

فارابی در تحلیل شکل گیری زندگی اجتماعی انسان علاوه بر نیاز طبیعی بشر، که از آن به مایحتاج تعبیر کرده، به نیاز فطری و انسانی انسان ها به هم نوع خود که از آن به کمال خواهی و کمال جویی، نام برده، نیز تصریح دارد. از نظر فارابی، حیات جمعی انسان ها تنها منبعث از نیازهای صرفاً جسمانی و حیوانی و غریزی آن ها نیست، بلکه همچنین در تمایلات دگر خواهانه، بشر دوستانه و کمال خواهانه آن ها نیز ریشه دارد.

### ۲. در زمینه ی محل و جغرافیای مدینه ی فاضله؛

مدینه ی فاضله ی فارابی، مدینه ای زمینی است و در همین کره ی مسکون جای دارد. همه ی اجتماعات فارابی، اعم از کامله (عظمی، وسطی و صغری) و غیر کامله (قریه، محله و منزل) چه در نوع فاضله و چه در نوع جاهله در همین جهان طبیعی، قرار می گیرند. که ناشی از دیدگاه واقع گرایانه و عینیت گرایانه فلسفه ی مدنی اوست.

### ۳. در زمینه ی مساحت و وسعت مدینه ی فاضله؛

فارابی در آثارش، هیچ بحثی از وسعت، مساحت و جمعیت مدینه مطرح نکرده و ضرورتی در طرح این مسائل نمی دیده است. بلکه، عقاید، آراء، سیرت و سجایای اهالی مدینه های مختلف فاضله و جاهله که ملاک تمایز آن ها نسبت به یکدیگر است، را به خوبی شرح داده است.

از نظر فارابی، مدینه ی فاضله می تواند از طریق الگو گیری سایر مدینه ها توسعه یافته و به امت فاضله تبدیل شود. اشاعه ی سیره، سنت و فرهنگ فاضله در میان سایر امم، زمینه اشتراک و به هم پیوستن امت های فاضله و سرانجام پیدایی جامعه جهانی فاضله را موجب خواهد شد که امامی فاضل آن را رهبری خواهد کرد، و بشریت در آن هنگام به کمال نهایی خود دست خواهد یافت. نگرش جهان وطنانه مذکور، که سعادت و کمال غایی بشریت را نهایتا در زندگی در یک جامعه ی سیاسی واحد جهانی جست و جو می کند، بدون تردید، از نفوذ دیدگاه شیعی اعتقاد به امامت مهدی موعود(عج) در آخر الزمان و انتظار جامعه ی جهانی او، بر ذهن این فیلسوف مسلمان و شیعه حکایت دارد. ایده ای که از اصول مسلم و پر جاذبه شیعه گری در طول تاریخ سیاسی پر نشیب و فراز شیعیان به شمار آمده و شیعیان در حسرت زندگی در آن جامعه موعود و شهروندی آن دولت عادل، همواره در حالت انتظار به سر برده اند.

#### ۴. در زمینه ی طبقات اجتماعی مدینه ی فاضله؛

فارابی در این خصوص معتقد است: مدینه ی فاضله دارای پنج جزء است: اهل فضل(حکما و عقلا و صاحبان رای در مسائل مهم)؛ اهل لسان(حاملان دین، خطباء، مبلغان، شعرا، خوانندگان و نویسندگان)؛ اهل حساب و کتاب( حسابگران، مهندسان، اطباء، منجمان)؛ اهل جهاد(مجاهدان، مقاتلان، پاسداران و هم ردیف های آنان)؛ و اهل مال و منال(کسب کنندگان اموال و دارایی همچون دهقانان، چوپانان، بار فروشان و هم ردیف های آنان).

فارابی این طبقات را بر اساس بدن انسانی دسته بندی و مرتب می سازد. عبارت فارابی چنین است:

"مدینه ی فاضله شبیه بدن کامل و سالم است که اعضای آن، جهت تکمیل و تداوم حیات موجود زنده با یکدیگر یاریگری می کنند. همان گونه که اعضای بدن در خلقت و قوت متفاوت اند و در میان آن ها عضوی وجود دارد که رئیس(سایر اعضا) است، مدینه نیز چنین است. اجزای آن در خلقت و هیئت متفاوت اند. در آن انسانی ریاست دارد و دیگرانی که بصورت سلسله مراتب به او متصل اند."

#### ۵. رئیس و زمامدار مدینه ی فاضله؛

از نظر فارابی، مدینه ی فاضله نیازمند رئیسی عاقل، حکیم، فیلسوف و عالم آشنا به حقایق و اداره امور است. کسی که دارای برنامه و سیاست فاضله بوده و هر دسته را در موقعیت و جایگاه اجتماعی مناسب خود قرار دهد و برای مدینه قوانین و مقررات اجتماعی تدوین کند. اوست که از فضایل اخلاقی آگاه بوده و با ترویج سیره و سجایای فاضله، مردم را با فضیلت می گرداند.

فارابی، ویژگی های یگانه را به رئیس اول مدینه ی فاضله اش نسبت می دهد. رئیس اول او که از تمامیت جسمی و بدنی، سلامت روحی و روانی و کمال ذهنی و عقلی به نحو احسن و اکمل برخوردار است. انذار دهنده(منذر) و اخبار دهنده(نبی) ای است که خداوند به او وحی می کند. او رئیسی است که هیچ انسان دیگری اصلا بر او ریاست ندارد. او امام و رئیس اول مدینه ی فاضله است. و او رئیس امت فاضله و رئیس تمام کره مسکون و جامعه جهانی است.

روشن است که ایده های فوق از محدوده ی یک کشور فراتر رفته و به دولت جهانی مطلوب و نظام جهانی فاضله منتهی شده است. ویژگی های رئیس اول آن به اوصافی که در متون شیعه درباره ی امام زمان(عج) گزارش شده، هم خوانی دارد.

فارابی طرح مدینه ی فاضله را از افلاطون وام گرفت و با نوآوری و ابتکار خود، آموزه ی شیعی امامت و مهدویت را که از مختصات کلام شیعه است در آن جای داد و همچنان پا بر جا در قالبی کاملاً فلسفی و با ادبیاتی کاملاً برهانی، اوصاف و مشخصات امام موعود شیعیان را در ویژگی های رئیس اول آن مدینه مندرج گردانید و آن مدینه را تا حد جامعه ی جهانی ارتقاء بخشید و ریاست عظمای آن نظام فاضله ی جهانی را در دستان توانمند آن امام منتظر نهاد.

## **۶. نظام همسرگزینی، خانواده و مالکیت در مدینه ی فاضله؛**

در مدینه ی فاضله ی فارابی، نظام همسرگزینی و خانواده داری خصوصی و نیز مالکیت فردی و دارایی شخصی در تمامی اهالی و طبقات جامعه ی او رواج دارد. معلم ثانی در بحث تقسیم بندی از انواع اجتماعات بشری، اجتماع منزلی و یا خانوادگی را کوچکترین واحد اجتماعی مدینه های خود دانسته و هیچ گاه از اشتراک جنسی و یا اشتراک مالی اقشار جامعه و یا قشر برتر آن سخنی به میان نیاورده است. او در شرح خصوصیات رئیس (و یا روسای) مدینه ی فاضله ی خود، اگر چه اظهار داشته که او و یا آن ها نباید بلحاظ اخلاقی در جمع آوری ثروت و دارایی، در خوردن اغذیه و اشربه و در همسرگزینی، حریص باشند، ولی هیچ گاه آنان را بلحاظ حقوقی و شرعی از داشتن مال اختصاصی، و یا همسر و فرزند، ممنوع نساخته است.

روشن است که دیدگاه فارابی در این امور، کاملاً متأثر از اعتقاد و التزام او به شریعت اسلامی و راه و رویه ی مسلمانی است. متون دینی مسلمانان، یعنی قرآن و احادیث، تملک خصوصی اموال، و دارا

بودن همسر و فرزند اختصاصی را بصورت یک آموزه برای عموم انسان ها پذیرفته و توصیه کرده است.

## ۷. ترکیب فرهنگی مدینه ی فاضله؛

در خصوص فرهنگ فاضله فارابی باید گفت: اولاً، مدینه ی فاضله ی فارابی خدا محور است و توحید عقیده ی رایج اهالی آن را تشکیل می دهد. الله، عزوجل به رئیس اول(امام) این مدینه وحی می کند و او وحی الهی را در اختیار مردم قرار می دهد. او تلاش می کند تا اعتقاد به خدای واحد را در مدینه تحکیم بخشد. ثانیاً، قباحه اشتراک جنسی برای فارابی تا حدی بوده که او حتی از طرح این مسئله به عنوان ویژگی مقبول در مدینه های جاهلی نیز خودداری کرده است. ثالثاً، می گساری و باده نوشی، رقاصی و آوازه خوانی نیز این چنین اند.

فارابی در توضیح مدینه ی جاهله اظهار داشته: "و مدینه جاهلیه عبارت از مدینه ای است که اهالی آن سعادت حقیقی را نشناخته و به دلشان هم خطور نکرده است. اگر به سوی آن راهنمایی شوند، آن را نمی فهمند و بدان معتقد نمی شوند، و از خیرات تنها پاره ای از آن ها را که ظاهری اند و گمان می رود که اهداف زندگی دنیوی آن ها باشند، از قبیل تندرستی، توان گری و بهره مندی از لذایذ، و آزاد بودن در برآوردن امیال و هواهای نفسانی و نیز محترم بودن در نزد سایرین را می شناسند.

در مجموع، معلم ثانی، لذت گرایی را یکی از اجزای جوامع جاهلی قلمداد می کند، و نه از عناصر فرهنگ فاضله.

## ۸. جایگاه تعاون در مدینه ی فاضله؛

فارابی معتقد است: هنگامی که اجزا، اقشار و اصناف مختلف مدینه برای رسیدن به اهداف متعالی و یا برای نیل به سعادت حقیقی، با یکدیگر تعاون می کنند. در این صورت است که مدینه ی فاضله به شکل حقیقی خود را در عالم واقعی و عینی نمود می یابد. پس هر مدینه ای که هدف از اجتماع در آن، تعاون در اموری که موجب سعادت گردد، آن مدینه، مدینه ی فاضله است. و اجتماعی که سبب آن، همکاری برای وصول به سعادت انجام گیرد، آن اجتماع فاضل است. و امتی که همه ی مدینه های آن برای رسیدن به سعادت با یکدیگر یاریگری کنند، آن امت فاضله است. و این چنین است جامعه ی جهانی فاضله و هنگامی محقق می شود که همه ی امت های آن برای رسیدن به سعادت حقیقی با یکدیگر معاونت نمایند.

دیدگاه فوق که حقیقت انسانی را گوهری متعاون، دگر خواه و اجتماعی تصویر می کند، ریشه در آموزه های انسان دوستانه ی اسلامی/شیعی دارد.

## ۹. تغییر و تحول در مدینه ی فاضله؛

مدینه ی فاضله ی قابل تحول و استحاله است، می تواند به مدینه ی جاهله تبدیل شود. در مدینه ی او گروهی نا هماهنگ و ناسازگار با سایر گروه های جامعه ی فاضله، با نام نوائب المدن (به معنای گیاه هرز) وجود دارند که به صورت یک خرده فرهنگ جاهلی غیر متجانس با فرهنگ حاکم فاضله، ادامه حیات می دهند. هنگامی که این گروه قادر شوند عقاید، آراء و عادات جاهلی خود را بسط داده و به

صورت یک اکثریت غالب در آید، آن گاه مدینه ی فاضله، تغییر ماهیت داده و به مدینه ی جاهله تبدیل می شود.

مدینه هایی که مقابل مدینه ی فاضله اند عبارت اند از: مدینه ی جاهله، فاسقه، ضاله و نوابت(افراد خودسر) که این افراد در مدینه فاضله در حکم علف های هرز مزارع گندم اند. این گونه افراد از نظر عقلا و فلاسفه، نادان و گمراهند و بر رئیس مدینه ی فاضله لازم است که همه ی افراد خودسر را جست و جو کرده و آنان را بیابد و حالاتشان را بررسی نماید؛ و هر دسته ای از آنان را با شیوه ای که مناسب با حال آنهاست، معالجه و اصلاح نماید؛ حال به وسیله ی اخراج از مدینه و یا عقاب و کیفر و یا به زندان انداختن و یا گماردن به شغلی.

#### ♦ ۱. تفکیک جنسی در مدینه ی فاضله؛

فارابی در نوشته های خود از اهالی گروه ها، قشرها و طبقات اجتماعی مدینه ی فاضله، به صورت کلی بحث کرده و هیچ گاه بحث مستقلی در زمینه ی تفکیک جنسی اهالی مدینه و نیز نقش و جایگاه اجتماعی هر یک مطرح نساخته است. عبارات او در زمینه ی نابرابری انسان ها در فنون، علوم، قدرت، ریاست و یا طبقات پنج گانه ی مدینه ی فاضله، با رویکردی انسانی و نوعی( و نه نگرشی جنسی، مرد محور و یا زن محور) تحریر شده اند.

#### ۱۱. نظام بردگی و مدینه ی فاضله؛

فارابی در جامعه ی فاضله ی خود هیچ گاه اسمی از برده نمی آورد. اگر چه در طبقات اجتماعی

مدینه ی او، افرادی هستند که در سلسله مراتب قدرت، به طور مطلق مرئوس بوده، ولی این بدان معنا نیست که آنان برده هستند. در عین حال، باید متذکر شد که فارابی اظهار داشته که در میان جوامع جاهلی، جامعه ای هست که رفتار غالب اهالی آن، غلبه گری بر جان و مال هم نوعان خود است. رفتار حاکم بر مردم این مدینه (مدینه ی تغلبیه) این است که "بر غیر خود غلبه می یابند و آنان را برده ی خود می سازند".

روشن است که تحلیل فوق، نمی تواند بیانگر نگرش مثبت فارابی به پدیده برده داری باشد، بلکه بر عکس، از دید منفی او حکایت دارد. زیرا او این پدیده را نه در جامعه ی مطلوب فاضله ی خود، بلکه در یکی از جوامع غیر مطلوب جاهلی (مدینه ی تغالب) جای داده است.

البته این امر نیز می تواند تاثیر مشهود فارابی را از متون اسلامی/شیعی مربوط به امام موعود و جامعه ی آخر الزمان نشان دهد، زیرا در آن جامعه ی مطلوب، همه ی مردم آزادند و هیچ برده ای وجود نخواهد داشت و انسانی در تملک انسان دیگر نخواهد بود.

## ۱۲. عدالت اجتماعی در مدینه ی فاضله؛

معلم ثانی برای افراد و طبقات، جایگاه معین، مطابق با نظام بدن انسانی تصویر کرده و مدینه فاضله ی و مراتب طبقات آن را، بر اساس بدن سالم و کامل انسانی الگوگیری کرده است. عدالت برای هر فرد و طبقه آن است که در جای معین خود قرار گیرد و به جایگاه دیگران، طمع نرزد و تعدی نکند. و مدینه ی عادله، طبعا جامعه ای است که طبقات، اقشار و گروه های مختلف را در جایگاه اجتماعی

متناسب با استعداد، ظرفیت و توان مندی طبیعی آن ها قرار داده و بین آن ها هماهنگی و همسازی پدید آورد. هر گروه و هر دسته در جای خود، سرش به کار خود، یاری گر همکار خود و مطیع مافوق خود، زمینه ی تداوم حیات جمعی مدینه را فراهم می سازد.

به هر تقدیر، در ارزیابی دیدگاه فوق می توان اظهار داشت: تشبیه جامعه به بدن هنگامی که از حد تشبیه و تنزیل فراتر رفته و به مرحله اجرا و تحقق در می آید ممکن است موجب اشتباه شده و نتایج نامطلوبی به بار آورد، زیرا طبقه ی برتر مدینه که بر طبق تحلیل این فیلسوف، وظیفه تمییز و تعیین محل اجتماعی مناسب برای سایر طبقات، گروه ها و افراد جامعه را داراست، چه بسا به عمد و یا به خطا در تعیین جایگاه شایسته آن ها دچار اشتباه شده و از این طریق، زمینه ی فساد و تباهی مدینه را فراهم آورد. و این بلیه ای است که جوامع بشری در طول تاریخ بارها و بارها بدان دچار شده و مصائب آن را تجربه کرده اند.

و من الله التوفيق

سید علی هاشمی

راههای ارتباط و بیان نظرات، پیشنهادات، انتقادات و طرح سوالات از طریق

پیام رسان های سروش، تلگرام و واتساپ با شماره (۰۹۱۲۷۴۰۳۴۰۸)